

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Iran's M.

آئینه ایران

یادداشت:

ضمن ابراز امتنان خدمت نویسنده و مترجم زیبا پسند ما آقای ذاکر، باید به عرض شان برسائیم که ترجمه از پشتو به زبان دری هر چند برای ما افغانها شاید به مثابه یک ضرورت احساس نشود، مگر از آنجائیکه خوانندگان پورتال تنها به افغانها محدود نشده و هزاران رزمنده ایرانی نیز بدان مراجعه می نمایند، چنین ابتکاری امریست در خور تحسین. امید است اکنون که دوست گرامی ما آقای ذاکر به چنین کار بزرگی دست یازیده اند، در آن حدیکه امکانات برایشان میسر است، بدان ادامه داده بدین سان خوانندگان ایرانی را با نویسندگان پشتو زبان و فرهنگ غنی زبان پشتو آشنا بنمایند.

شاد و موفق باشید

اداره پورتال AA-AA

فرهاد و یار  
ترجمه: ذاکر

آه، یاران!

درمورد، مری جونز، یکی از زنان کارگر جنبش کارگری اول می در شیکاگو خوانده بودم که در پاسخ سوالی گفته بود: هر جا که مبارزه برای رهائی از استثمار آغاز شده باشد، خانه من همانجاست.

امروز وقتی که می بینم هر جا که درد است؛ چه در امریکای لاتین، چه در اسپانیا، چه در عراق، چه در ایران و چه هم در افغانستان، فرهاد با کلماتش همانجاست و با نثر و شعر به دفاع از خلق های زحمتکش و انقلابیون آزاده می پردازد. او با عراقی ها فریاد می زند، با ایرانی ها همدرد، با افریقایی ها همرنج، با توده های ستمدیده کشورش هم رزم است و با تمام جنبش های رهاییبخش سرود و ترانه هایش را شریک می سازد. او با ویکتور خارا، ناظم حکمت، احمد شاملو، لورکا، لنگستن هیوز و ده ها شاعر، ترانه سرا و نویسنده مردمی همسنگر است و به یقین می توان گفت که فرهاد نخستین قلمزن ادبیات پشتو است که مرزها را پشت سر گذاشته و با شعر، ترجمه و نوشته های ارزنده، نقش شایسته ای در غنای ادبیات پویای پشتو ایفاء کرده است.

امروز، شعری از ایشان را که در سوگ پنج تن از برومندترین فرزندان ایران سروده اند و در پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" انتشار یافته است، خواندم. با وجود آنکه ممارست خاصی در ترجمه و به ویژه ترجمه شعر ندارم، ولی حیف آمد که این شعر را از زبان پشتو به دری برگردان نکنم. از جناب و یار، صمیمانه می خواهم که نواقص و زمختی ترجمه را بر من ببخشایند.

## آه، یاران!

دار  
دار  
دار  
دار  
دار

لاله های سرخینه زیر دار  
لیخنده بر لب  
لیخنده بر لب

قطره  
قطره  
موج گشتند  
و موج طوفان شد!

\*

طناب  
شرمند  
نفرینه  
پنجه های آلوده  
خونین  
و پنج تا قلب جوان  
شگوفه زد  
شگوفه زد.

\*

یکسو،  
سپیدارهای استوار  
یکسو،  
همیشه های کثافت  
یکسو،  
عشق

و  
ترانه  
یکسو،  
آیات ها  
و تکبیر ها

\*

آه،  
یاران  
قطره  
قطره  
موج گشتند  
و موج توفان شد

